

اگر امریکا در دسامبر ۲۰۰۱ برای گفت‌وگو با طالبان تمایل نشان می‌داد، ممکن بود طولانی‌ترین جنگ امریکا به عنوان یکی از کوتاه‌ترین جنگ‌ها در تاریخ ثبت شود. شاید ما آنقدرها عاقل یا چابک نبودیم که زودتر با طالبان ارتباط برقرار کنیم

خود علیه افغانستان را آغاز کرد، هیچ کس انتظار نداشت این حملات ۲۰ سال به صورت بی‌وقفه ادامه پیدا کند. در ابتدای جنگ، مأموریت مشخص شده ساده و سراسر است به نظر می‌رسید: «شکست دادن القاعده و جلوگیری از تکرار حملات ۱۱ سپتامبر.» با این حال نه بوش و نه هیچ فرد دیگری علناً اعلام نکردند قرار است کی، چگونه و تحت چه شرایطی عملیات نظامی در افغانستان به نتیجه برسد. بوش از اعلام جدول زمانی حضور نیروهایش در افغانستان خودداری می‌کرد.

بعد از شروع بمباران افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱، قدم بعدی پنتاگون واضح نبود، یعنی مشخص نبود آنها می‌خواهند طالبان را مجازات کنند یا آنها را از قدرت برکنار کنند. ستاد نظامی فکر می‌کرد طرح جنگی صرفاً برای خرید زمان تا طراحی یک راهبرد دقیق تر است. در ۱۶ اکتبر، شورای امنیت ملی بوش سندی راهبردی منتشر کرد که در آن هدف حذف القاعده و پایان دادن به حکومت طالبان بود، بدون اینکه قدم بعدی روشن باشد. در ۱۹ اکتبر، نیروهای عملیات ویژه امریکا به نیروهای ائتلاف شمال پیوستند. آنها با کمک یکدیگر، ظرف مدت کوتاهی توانستند طالبان را سرنگون کنند و تقریباً همه شهرهای افغانستان را تصرف کنند.

در دسامبر ۲۰۰۱ سازمان ملل به منظور تعیین وضعیت حکومت در افغانستان اجلاسی را در شهر بُن آلمان برگزار کرد که در آن، حامد کرزای، یکی از سرمایه‌های سیا رهبر موقت افغانستان شد. امریکایی‌ها سرخوش از پیروزی‌های پشت سرهم، هدفی جدید تعیین کردند. بوش در آوریل ۲۰۰۲ وعده داد که به افغانستان کمک کند تا کشوری عاری از تروریسم، با دولتی باثبات، ارتش ملی جدید و نظام آموزشی یکسان برای دخترها و پسرها بسازد. او برای دستیابی به این اهداف هیچ ابزار یا معیاری ارائه نکرد. آنها شش ماه پس از شروع جنگ افغانستان و از اواسط ۲۰۰۲، با این تصور که درگیری در افغانستان با موفقیت به پایان رسیده، جنگ دیگری را شروع کردند.

## فصل دوم آدم‌بدها چه کسانی هستند؟

جری ایگرز، از کارکنان شورای امنیت ملی امریکا: چرا هنگامی که القاعده به ما حمله کرد به جای آنها طالبان را دشمن فرض کردیم؟ چرا تصور کردیم لازم است یک دولت فوق‌العاده فعال در افغانستان ایجاد کنیم تا بتوانیم جلوی

بازگشت طالبان را بگیریم؟ چرا به جای اینکه راهبرد نظامی خود را روی القاعده متمرکز کنیم، تمام مدت درباره طالبان صحبت می‌کردیم؟

امریکا با تصویری مبهم از اینکه قرار است با چه کسی بجنگد، وارد جنگ شد. بن لادن و القاعده از سال ۱۹۹۶ به امریکا اعلام جنگ کردند ولی به گفته رابرت گیتس، رئیس سابق سیا و جانشین رامسفلد در پنتاگون، امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر سرسوزنی از القاعده اطلاعات نداشت. همچنین دولت بوش با مخدوش کردن مرز بین القاعده و طالبان و یکی گرفتن آنها دچار اشتباه بزرگی شد. القاعده شبکه‌ای متشکل از عرب‌ها بود که بلندپروازی جهانی داشتند و بن لادن، رهبر آنها تنها به این دلیل در افغانستان زندگی می‌کرد که از پناهگاه قبلی خود در سودان اخراج شده بود. در مقابل، طالبان گروهی محلی بود که اکثراً به قبایل پشتون جنوب و شرق افغانستان تعلق داشت و سال‌ها بود که با دیگر گروه‌های قومی و دلالان قدرت برسر کنترل کشور درگیر جنگ بودند. طالبان از بن لادن محافظت کرد، ولی آنها در ۱۱ سپتامبر نقشی نداشتند. اما ارتش تمایز کمی میان آنها قائل شد و همه آنها را تحت